



گزارش پژوهش

شماره ۱۳۳ / شهریور ۱۳۹۹

تقویت اراده فسادستیزی در دستگاه‌های اجرایی



مرکز توسعه دانش و پژوهش‌های سلامت اداری و مبارزه با فساد

معاونت پژوهشی

نشانی: خیابان طالقانی، تقاطع سپهد قرنی

سازمان بازرسی کل کشور، طبقه نهم

شماره تماس: ۶۱۳۶۳۳۷۸

bazrasi.research@136.ir

بسم الله الرحمن الرحيم



گزارش پژوهش

شماره ۱۳۳، شهریورماه ۱۳۹۹

تقویت اراده فسادستیزی در دستگاه‌های اجرایی

نویسنده: دکتر رضا عارف

مرکز توسعه دانش و پژوهش‌های سلامت اداری و مبارزه با فساد

معاونت پژوهشی

مطالب مندرج در این گزارش نشانگر دیدگاه نویسندگان آن است و لزوماً نمایانگر دیدگاه سازمان بازرسی کل کشور نیست.

کلیه حقوق مربوط به این گزارش به سازمان بازرسی کل کشور تعلق دارد و هرگونه

انتشار مطالب آن بدون کسب اجازه از سازمان، غیرمجاز است.

آدرس: تهران، خیابان طالقانی، تقاطع سپهبد قرنی، سازمان بازرسی کل کشور،
طبقه نهم (ساختمان جدید)، مرکز توسعه دانش و پژوهش‌های سلامت اداری و مبارزه با فساد

تلفن: ۶۱۳۶۳۳۷۸

فهرست مطالب

۴	پیش گفتار
۴	مقدمه
۹	ایضاح مفاهیم کلیدی
۹	دستگاه اجرایی
۱۰	اراده فسادستیزی
۱۹	شاخص‌های اراده فسادستیزی
۳۳	ایجاد و تقویت اراده فسادستیزی
۴۲	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۴۹	منابع و مأخذ

پیش‌گفتار

نگاهی به آثار و منابع موجود در حوزه مبارزه با فساد، گواه نوعی فقر و خلاء در موضوع «اراده فسادستیزی» در زبان فارسی است؛ به این معنا که اگر محقق یا بازرس سازمان بازرسی کل کشور بخواهد درباره «چیستی اراده فسادستیزی»، «شاخص‌های اراده فسادستیزی»، «چرایی فقدان اراده فسادستیزی»، «راه‌های ایجاد اراده فسادستیزی» و «راه‌های تقویت اراده فسادستیزی» بداند، منابع علمی اندکی در زبان فارسی وجود دارد که می‌توان به آن‌ها رجوع کرد. کلیدی بودن این مسأله چنان است که اگر تمام ابعاد و زوایای آن روشن شود و راه‌های ایجاد و تقویت آن بدست‌آید، چه بسا به رغم فقدان امکانات لازم، ابزارهای مورد نیاز و نبود شرایط مناسب بتوان با همان «اراده» امکانات را فراهم، ابزارها را مهیّا و شرایط را ایجاد کرد؛ حال آن‌که عکس این ماجرا صحیح نیست؛ یعنی اگر اراده فسادستیزی نباشد، راه‌های ایجاد و تقویت آن نامعلوم باشد اما امکانات، ابزارها و شرایط فراهم باشد، بدون اراده هیچ اقدام و حرکتی صورت نخواهد گرفت و آن امکانات، ابزارها و شرایط هیچ کارایی نخواهند داشت.

مرکز توسعه دانش و پژوهش‌های سلامت اداری و مبارزه با فساد پس از آماده‌سازی دو ترجمه از نویسنده با عناوین؛ «پی‌ریزی اراده مبارزه با فساد» و «اراده فسادستیزی چگونه چیزی است؟» اینک پژوهشی را تقدیم می‌کند که از نخستین تألیفات درباره «اراده فسادستیزی» در زبان فارسی است؛ طبعاً این نخستین بودن هم امیتاز تحقیق حاضر است و هم گواهی بر کاستی‌هایی که در این موضوع پیش‌روی پژوهشگران قرار دارد. مسیری که اینک گشوده می‌شود، نیازمند رهروانی است که در آن صبورانه دشواری‌های راه را با هدف افزودن بر غنای ادبیات موضوع تاب‌آورند.

مرکز توسعه دانش و پژوهش‌های سلامت اداری و مبارزه با فساد

معاونت پژوهشی

مقدمه

درک این مسأله دشوار نیست که یک دستگاه اجرایی به دلیل نداشتن بودجه کافی نتواند با فساد مبارزه کند. این نیز قابل فهم است که دستگاه یاد شده به رغم برخورداری از بودجه کافی صرفاً به این دلیل که از امکانات لازم دیگر برخوردار نیست نتواند با فساد مقابله کند؛ یا مثلاً به علت فقدان نیروی انسانی خبره و کاردان یا نامناسب بودن شرایط، بودجه و امکانات موجود را ضایع نماید؛ این نیز چندان عجیب نیست که با وجود تمام این‌ها به علتی همچون فقدان قوانین حمایت‌کننده، مبارزه با فساد متوقف بماند. اما نکته این جا است که اگر دستگاه اجرایی یا دستگاه‌هایی یافت شوند که با وجود برخورداری از بودجه کافی، امکانات لازم، نیروی انسانی خبره و کاردان و به رغم برخورداری از حمایت‌های قانونی و وجود شرایط مناسب و برخورداری از ابزارهای مورد نیاز برای مبارزه با فساد، همچنان فسادزده و فسادآلود به حیات خود ادامه دهند، در این صورت این گمان قوت می‌یابد که گویا متولیان امور در این دستگاه‌ها اساساً «اراده»‌ای برای مقابله با فساد ندارند؛ به دیگر سخن اگر چه امکان مبارزه با فساد برای ایشان مهیا است اما آگاهانه و مختارانه خواستار مبارزه با فساد نیستند؛ طبعاً کسی را که در خواب به سر می‌برد می‌توان بیدار کرد اما کسی که خود را به خواب زده و به هیچ وجه اراده و خواست بیدار شدن را ندارد چگونه می‌توان بیدار کرد؟

حجم بالای مفاسدی که دستگاه‌های نظارتی داخلی کشف و اعلام می‌کنند و گزارش‌های سالانه‌ای که سازمان‌های بین‌المللی درباره رتبه‌بندی کشورها ارائه می‌دهند، در کنار سرمایه‌هایی که در گزارش‌های داخلی یادشده و همچنین در گزارش‌های مربوط به تخصیص بودجه به دستگاه‌ها ذکر می‌شود این گمانه‌زنی را قوت می‌-

بخشد که بسا دستگاه‌هایی برغم برخورداری از سرمایه‌های مالی، انسانی و بهرمندی از امکانات و شرایط لازم و برخورداری از پشتوانه‌های حمایتی قانون، همچنان در فسادند و گویا خواست و اراده‌ای نیز برای خروج از این وضع نداشته باشند.

اگر چه تاکنون شعار فسادستیزی محور سیاستگذاری‌های تمام دولت‌ها بوده اما با کمال تعجب سیاست‌ها و برنامه‌ها در حد فاصل تصمیم‌گیری تا اجرا با شکست مواجه شده‌است و رتبه ایران در شاخص فساد بجای کاهش رو به افزایش نهاده است.^۱ در این میان اصلی‌ترین و مهمترین راه درمان، ایجاد پارادایم^۲، الگوواره، سرمشق یا همان تصور پایه «اراده سیاسی»^۳ دانسته می‌شود؛ الگوواره یا سرمشقی که تعارض منافع متولیان امور را نشانه می‌رود.^۴

مفسدین پیش از ارتکاب فساد پاسخ سه پرسش زیر را برای خود روشن می‌کنند:

۱. دستاوردی که از ارتکاب این فساد برایشان مدنظر است چیست؟
۲. میزان احتمال کشف این فساد توسط دستگاه‌های نظارتی تا چه حد است؟
۳. میزان مجازات و هزینه‌ای که در صورت کشف این فساد بر مرتکب آن تحمیل خواهد شد چقدر است؟

پاسخی که به این سه پرسش داده می‌شود به صرفه‌بودن یا به صرفه‌نبودن ارتکاب آن فساد را روشن می‌کند و تعیین کننده ارتکاب یا عدم ارتکاب آن است. جالب

۱. رک: چیدمان تاکتیک ضد فساد به نشانی:

<https://donya-e-eqtesad.com>
۲. Paraderm

۳. دراین متن هر جا سخن از «اراده» به میان می‌آید منظور «اراده سیاسی» است.

۴. رک: چیدمان تاکتیک ضد فساد به نشانی:

<https://donya-e-eqtesad.com>

این که وجود «اراده فسادستیزی» پاسخ به هر سه مسأله یادشده در پرسش‌های بالا را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛^۱ به هر میزانی که اراده فسادستیزی بیشتر حاکم باشد، به همان میزان مفسدین در پاسخ به پرسش‌های بالا و ارزیابی‌های خود، ارتکاب فساد را چندان به صرفه نمی‌یابند و از ارتکاب آن بیش از پیش پرهیز خواهند کرد؛^۲ به دیگر سخن افزایش اراده فسادستیزی با کاهش به صرفه‌گی ارتکاب جرم نسبت وثیقی دارند.

به راستی «اراده مبارزه با فساد» در سلسله مراتب فرایند فسادستیزی چه جایگاهی دارد؛ به دیگر سخن «اراده فسادستیزی» در کجای سلسله مراتب فرایند فسادستیزی قرار دارد؟

پاسخ به پرسش بالا اهمیت «اراده» و «اراده‌مندی» در فسادستیزی را روشن می‌کند و به تبع آن پرسش‌های دیگری در پی خواهد آمد که این تحقیق به آن‌ها خواهد پرداخت.

ارسطو و متفکران بزرگی پس از وی بر این باور بودند که علت‌ها بر چهار قسم است؛ علت فاعلی، علت مادی، علت صوری، علت غایی؛ مثلاً اگر یک صندلی در نظر گرفته شود، نجار علت فاعلی برای وجود صندلی و چوب علت مادی آن است. فرم و شکلی که نجار به چوب می‌دهد علت صوری برای تحقق صندلی است و هدف و غرضی که از ساختن صندلی در ذهن نجار بود، علت غایی برای بوجود آوردن صندلی توسط نجار است؛ به این معنا که نجار در ذهن خود تصورات و اغراضی از ساخت این صندلی داشته است و همان تصورات و اغراض موجب شد که نجار (علت فاعلی)

۱. رک: چیدمان تاکتیک ضد فساد به نشانی:

<https://donya-e-eqtesad.com>

۲. رک: چیدمان تاکتیک ضد فساد به نشانی:

<https://donya-e-eqtesad.com>

ساخت صندلی را «بخواهد» یا به تعبیری ساخت صندلی را «اراده کند»؛ بنابراین تصور و غرض از ساخت صندلی «علت» برای اراده فاعل یا به دیگر سخن «علت» برای اراده‌مندی و حرکت نجار در جهت ساخت صندلی است؛ حرکت و خواستی که اگر ابتداءً صورت نگیرد صرف وجود چوب، وجود نجار، توانایی نجار بر ساختن صندلی و امکاناتی از این دست اتفاق خاصی را رقم نخواهد زد؛ پس اراده از جمله نخستین جرقه‌های شروع کار است و طبعاً در سلسله مراتب علل نیز پس از تصور غایت، جایگاه نخست را دارد.

براساس سخن فوق در سلسله مراتب علل و عوامل مبارزه با فساد و در مجموعه فرایند تحقق سلامت اداری نیز مانند هر معلول دیگری «اراده» و «اراده‌مندی»، حکم جرقه اولیه (استارت) برای آغاز حرکت را دارد و اهمیت آن نیز از این‌رو است که اگر تمام امکانات و شرایط برای فسادستیزی مهیا باشد ولی اراده فسادستیزی یا همان جرقه اولیه (استارت) نباشد حرکت آغاز نمی‌شود؛ پس هیچ فسادزدایی نیز صورت نخواهد گرفت.

با این مقدمه اینک می‌توان پرسش اصلی پژوهش را طرح کرد و آن اینکه:

«چگونه می‌توان اراده فسادستیزی در دستگاه‌های اجرایی را تقویت کرد؟»

معنای این پرسش این است که با اعمال چه تدابیری می‌توان دستگاه‌های

اجرایی را واداشت تا فسادستیزی را اراده کنند و از بین رفتن فساد را خواستار شوند؟

ایضاح مفاهیم کلیدی

پیش‌نیاز پاسخ به پرسش اصلی تحقیق آن است که مفاهیم کلیدی مرتبط با موضوع توضیح داده شود؛ از این‌رو به برخی از آن‌ها پرداخته می‌شود.

دستگاه اجرایی

وقتی گفته می‌شود «تقویت اراده فسادستیزی در دستگاه‌های اجرایی» آن‌گاه این پرسش طرح می‌شود که «منظور از دستگاه‌های اجرایی چیست؟»

براساس ماده ۵ قانون مدیریت خدمات کشوری (مصوب ۱۳۸۶) دستگاه‌های اجرایی عبارتند از:

«کلیه وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی، مؤسسات یا نهادهای عمومی غیردولتی، شرکت‌های دولتی و کلیه دستگاه‌هایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر و یا تصریح نام است از قبیل شرکت ملی نفت ایران، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، بانک مرکزی، بانک‌ها و بیمه‌های دولتی...»^۱

باید توجه داشت که ماده ۱۱۷ قانون مدیریت خدمات کشوری، برای دستگاه اجرایی مصادیق دیگری را نیز شناسایی می‌نماید مصادیقی چون:

«... نهادهای، مؤسسات و تشکیلات و سازمان‌هایی که زیر نظر مستقیم مقام معظم رهبری اداره می‌شوند، وزارت اطلاعات، ...، دیوان محاسبات، شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام و مجلس خبرگان رهبری ... نیروهای نظامی و انتظامی...»^۲

۱. رک: قانون مدیریت خدمات کشوری (مصوب ۱۳۸۶)، ماده ۵.
۲. رک: قانون مدیریت خدمات کشوری (مصوب ۱۳۸۶)، ماده ۱۱۷.

در کنار دو ماده یاد شده از قانون مدیریت خدمات کشوری، بر اساس قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (مصوب ۱۳۸۰)، ماده ۴۶، برخی نهادهای دیگر نیز در حکم دستگاه اجرایی به شمار می‌آیند. بنابر این قانون از حیث اجرای مقررات قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶/۶/۱ دستگاه‌های زیر در حکم دستگاه اجرایی محلی محسوب می‌شوند:

«سازمان‌های استانی ادارات کل و واحدهای سازمانی هم سطح تابعه وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و مستقر در مراکز استان‌ها یا شهرستان‌هایی غیر از مراکز استان‌ها که اعتبارات آنها در قوانین بودجه سنواتی ضمن بودجه وزارتخانه‌ها یا مؤسسه دولتی مربوط منظور شده است»^۱

اراده فسادستیزی

پیش از پاسخ به این پرسش که «چگونه می‌توان اراده فسادستیزی در دستگاه‌های اجرایی را تقویت کرد؟» باید به روشنی منظور از «اراده فسادستیزی» توضیح داده شود تا معلوم شود مراد از آنچه بناست در دستگاه‌های اجرایی ایجاد یا تقویت شود دقیقاً چیست؟

مفهوم «اراده فسادستیزی» از جمله مفاهیمی است که در زبان فارسی کمتر مورد بررسی قرار گرفته است؛ از این رو مشکل بدفهمی، عدم دقت و ابهام در تعریف آن، امری طبیعی به نظر می‌رسد.

برخی از نویسندگان مفهوم «اراده»^۲ را از جمله لغزنده‌ترین و گمراه‌کننده‌ترین مفاهیمی دانسته‌اند که در قلمرو علوم سیاسی مورد کندوکاو و بررسی واقع می‌-

۱. رک: قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (مصوب ۱۳۸۰)، ماده ۴۶.

۲. یادآور می‌شویم، در این متن هر جا سخن از «اراده» به میان می‌آید منظور «اراده سیاسی» است.

شود. این لغزندگی و گمراه‌کنندگی عوارض و تبعاتی با خود دارد که تعدد و گوناگونی تعاریف از جمله آن‌هاست؛ به عنوان مثال براساس دیدگاهی «اراده» عبارت است از:

«عزم باورپذیر آشکار بازیگران سیاسی»^۲

تعریف بالا تعریفی است که در عرصه عمومی از مفهوم «اراده» ارائه می‌شود.^۳ این تعریف اشکالاتی دارد که یکی از آن‌ها بکارگیری واژه «عزم» در تعریف اراده است که این حق را برای مخاطب ایجاد می‌کند تا بپرسد حال که «اراده» همان «عزم» است پس توضیح دهید که «عزم» چیست؟ به تعبیر دیگر تعریف یک واژه (معرف) به وسیله واژه دیگری (معرف) که از نظر میزان شناخته‌شده بودن، آن معرف مساوی با معرف یا چه بسا ناشناخته‌تر از معرف است تعریف درستی نیست؛ چرا که هدف از تعریف شناساندن امر ناشناخته با استفاده از امور شناخته شده است بنابراین از جمله شرایط تعریف این است که معرف (شناساننده) باید شناخته‌شده‌تر از معرف (آنچه قرار است شناسانده شود) باشد؛ نه این که از جهت شناخته‌بودن و آشنایی مساوی باشند یا حتی ناشناخته‌تر باشد.

قید «باورپذیر» و «آشکار» در تعریف بالا قیود مهمی است که ویژگی‌هایی را بر «عزم» بار می‌کند تا آن را از صرافت و خلوص خارج نماید و به خواننده این معنا را برساند که هر «عزمی» مدنظر نیست بلکه آن «عزمی» مقصود است که برای ناظران

۱. Hammergren, L. ۱۹۹۸. Political will, constituency, building and public support in rule of law programmes

<http://issat.dcaf.ch/content/download/۲۲۰۰/۱۹۰۵۶/file/Hammergren%۲۰Political%۲۰Will.pdf>

۲. the “demonstrated credible intent of political actors”

۳. Malena, C. ۲۰۰۹. From political wont to political will: building support for participatory governance https://styluspub.presswarehouse.com/resrcs/chapters/۱۵۶۵۴۳۱۱۷_excerpt.pdf

و داوران «باورپذیر» و «آشکار» باشد از این رو کسی که ادعای «اراده‌مندی» می‌کند باید برای خود پاسخ دو پرسش زیر را روشن کرده باشد که:

- چه اقداماتی انجام دهم تا عزم من «باورپذیر» شود؟
- چه اقداماتی انجام دهم تا عزم باورپذیر من «آشکار» شود؟

براساس تعریف بالا پرسش از این که «چگونه می‌توان اراده فسادستیزی در دستگاه‌های اجرایی را تقویت کرد؟» به معنای آن است که «چگونه می‌توان در دستگاه‌های اجرایی، عزم باورپذیر آشکار بازیگران برای فسادستیزی را تقویت کرد؟»

برخی در تعریف «اراده» چنین گفته‌اند:

«قصد/ تصمیم یک بازیگر سیاسی منفرد بر انجام و گفتن چیزی که نتایج

مطلوب در پی خواهد داشت.^۱ این اراده امری فردی است و اگر جمعی لحاظ شود

با خطای انسان‌انگاری [جمع] مواجه خواهیم شد»^۲

در تعریف اخیر «اراده» امری فردی لحاظ شده بطوری که اگر کسی قائل به «اراده جمعی» شود از نظر قائلان به این تعریف مرتکب خطای فکری «ترکیب» شده است؛ به این معنا که مجموعه و گروه انسان‌ها را به منزله یک انسان واحد به شمار آورده که دارای اراده است حال آن‌که از دید ایشان انسان‌ها تک تک دارای اراده هستند اما جمع و گروه انسانی دارای اراده نیست و اگر کسی گمان کند که حکم تک تک

۱. See: Understanding 'Political Will', P ۱.

۲. See: ibid.

افراد را می‌توان به مجموع نیز تسری داد در دام خطای فکری موسوم به «ترکیب» گرفتار آمده‌است.^۱

براساس دیدگاه قائل به فردیت «اراده»، پرسش از این که «چگونه می‌توان اراده فسادستیزی در دستگاه‌های اجرایی را تقویت کرد؟» به منزله آن است که سؤال شود «چگونه می‌توان در دستگاه‌های اجرایی قصد/ تصمیم فرد یا تک تک افراد را بر انجام و گفتن چیزی که در مبارزه با فساد نتایج مطلوب در پی خواهد داشت، تقویت کرد؟»

تعریف دیگری که برای «اراده» ذکر شده و کمی دقیق‌تر و عمل‌گرایانه‌تر از تعاریف پیشین است این که اراده مبارزه با فساد عبارت است از:

«التزام مستمر سیاستمداران عالی رتبه و دیوان‌سالاران به انجام مجموعه-

ای از کنش‌ها و پذیرش هزینه‌های آن، به منظور دستیابی به مجموعه‌ای از اهداف».^۲

همانطور که در تعریف بالا می‌توان دید این تعریف در قیاس با تعاریف پیش از خود از تفصیل بیشتری برخوردار است؛ واژه «عزم» را بکارنبرده و «انجام کنش‌ها» و «پذیرش هزینه»‌ها را در تعریف ذکر کرده است که تا حدی پذیرش آن «التزام» را باورپذیر و دارای ظهور، نمود و جلوه بیرونی می‌کند. از سوی دیگر «سیاستمداران» را با مقیدکردن به قید «عالی رتبه»، در کنار «دیوان‌سالاران» مشخصاً نام می‌برد و اراده

۱. برای آشنایی با خطای «ترکیب» رک: خندان، سیدعلی‌اصغر، منطق کاربردی، قم، موسسه فرهنگی طه، چاپ اول، سال ۱۳۷۹، ص ۲۵۴.

۲. Brinkerhoff, D.W. ۲۰۰۰. Assessing political will for anti-corruption efforts: an analytic framework. Public Administration and Development, Vol. ۲۰, No. ۳: the commitment of political leaders and bureaucrats to undertake actions to achieve a set of objectives and to sustain the costs of those actions over time

را «التزام» این دو گروه می‌داند نه دیگران؛ در واقع این تعریف اراده مبارزه با فساد را فرایندی از بالا به پایین می‌داند.

با تعریف اخیر پرسش از این که «چگونه می‌توان اراده فسادستیزی در دستگاه‌های اجرایی را تقویت کرد؟» به مثابه آن است که پرسیده شود «چگونه می‌توان در دستگاه‌های اجرایی، سیاستمداران عالی رتبه و دیوان سالاران را بطور مستمر به انجام مجموعه‌ای از کنش‌های معطوف به فسادستیزی و پذیرش هزینه‌های این مبارزه ملزم‌تر کرد؟»

بنابر دیدگاهی دیگر برخی از صاحب‌نظران^۱ «اراده» را متشکل از سه عنصر «خواستن»، «توانستن» و «التزام» معرفی می‌کنند.^۲ در این معنا «اراده» صرف «خواستن» نیست بلکه قسم خاصی از «خواستن» است که در دایره «توان» است و با «التزام» نیز قرین است. بر این اساس اراده فسادستیزی عبارت است از:

خواستن و التزام‌ورزیدن [در حد توان] به انجام مجموعه‌ای از اقداماتی که برای مبارزه با فساد می‌شود انجام داد.

با تعریف بالا این پرسش که «چگونه می‌توان اراده فسادستیزی در دستگاه‌های اجرایی را تقویت کرد؟» به این معنا خواهد بود که: «چگونه می‌توان در دستگاه‌های اجرایی، خواست فسادستیزی، توان فسادستیزی و التزام به فسادستیزی را تقویت کرد؟»

برخی «اراده فسادستیزی» را چنین تعریف می‌کنند:

۱. Malena

۲. See: Roberto Martinez B. Kukutschka, Building Political Will; Topic Guide, Compiled by Anti Corruption Helpdesk, Transparency International, ۲۰۱۵.

التزام مستمر بازیگران به برعهده‌گیری اقداماتی به منظور دستیابی به مجموعه‌ای از اهداف معطوف به کاهش فساد و تاب آوردن در برابر تبعات و هزینه‌های آن اقدامات.

براساس تعریف بالا «اراده فسادستیزی» ویژگی‌های زیر را دارد: نوعی التزام است از ناحیه بازیگران عرصه مبارزه با فساد (این می‌تواند از بالا به پایین باشد یا بالعکس از پایین به بالا)؛ متعلق این التزام دو چیز است؛ «برعهده‌گرفتن اقداماتی خاص» و «تاب‌آوری در برابر تبعات و هزینه‌ها»؛ غرض این اقدامات، «دستیابی به مجموعه‌ای از اهداف معطوف به کاهش فساد» است؛ این التزام و اقدامات ناشی از آن، «تبعات» و «هزینه»هایی دارد؛ این فرایند، زمان‌بر، مدت‌دار و مستمر است^۱ و اگر این استمرار و زمان‌بری نباشد ادعای اراده مبارزه با فساد صادقانه نیست.

تعریف اخیر فاعل التزام را محدود به سیاستمداران عالی‌رتبه و دیوان‌سالاران نکرده است.

اگر تعریف بالا لحاظ شود پرسش از این که «چگونه می‌توان اراده فسادستیزی در دستگاه‌های اجرایی را تقویت کرد؟» به این معنا خواهد بود که: «چگونه می‌توان در دستگاه‌های اجرایی، التزام مستمر بازیگران را به برعهده‌گیری اقداماتی برای دستیابی به اهداف معطوف به کاهش فساد و پذیرش و تاب‌آوری در برابر تبعات و هزینه‌های آن، تقویت کرد؟»

۱. See: Derick. W. Brinkerhoff, ۲۰۱۰, Unpacking the Concept of Political Will to Confront Corruption, U۴ Policy Brief, Bergen: Chr. Michelsen Institute. See: <http://www.u۴.no/publications/unpacking-the-concept-of-political-will-to-confront-corruption/>

همانطور که بیان شد در شناساندن مفهوم «اراده» و به تبع آن «اراده فسادستیزی» تنوع تعاریف وجود دارد که داوری و انتخاب را کمی دشوار می‌کند. نگاهی به مجموع تعاریف یاد شده مجموعه‌ای از ویژگی‌ها را برای اراده مبارزه با فساد بدست می‌دهد که گردآوری آن‌ها، فعال این عرصه را در دستیابی به تعریفی نسبتاً کارآمد یاری می‌کند؛ برخی از این ویژگی‌ها به شرح زیر است:

- اراده فسادستیزی، نوعی خواستن است
- در حد توان است (پس منطقاً نمی‌توان چیزی را اراده کرد که در حد توان نیست)
- قرین با التزام‌ورزی است
- فاعل اراده، بازیگر عرصه مبارزه با فساد است
- متعلق اراده دو چیز است «انجام مجموعه‌ای از کنش‌های معطوف به فسادستیزی» و «پذیرش و تاب‌آوردن در برابر هزینه‌های آن کنش‌ها»
- باورپذیر است
- آشکار است
- فردی است، نه جمعی
- زمان‌بر و مستمر است نه مقطعی

ویژگی‌های بالا را می‌توان به مثابه مهم‌ترین ویژگی‌ها و مؤلفه‌های یاد شده در تعاریف مختلف «اراده فسادستیزی» به شمار آورد که جمع آن‌ها ممتنع و ناممکن نیست.

شهود فردی هر کس درباره «اراده» گویای آن است که وقتی آدمی چیزی را اراده می‌کند در واقع آن را می‌خواهد، «خواستنی» که به میزان افزایش شدت آن،

مَصْرَانه‌تر نیز می‌شود؛ به دیگر سخن هر چه بر شدت این خواستن افزوده می‌گردد اصرارِ فردِ خواهان، برای اقدام و حرکت در جهت رسیدن به آنچه می‌خواهد نیز افزایش می‌یابد؛ از این‌رو اگر ادعا شود که «اراده» همان «خواست مَصْرَانه» است که با «التزام» همراه است سخن بیراهی نیست. با این توضیح مراد از «اراده فسادستیزی» در این پژوهش به این شرح بیان می‌شود:

اراده فسادستیزی، خواست مَصْرَانه، ملتزمانه و مستمر فرد انسانی است که وی را به انجام مجموعه‌ای از کنش‌های معطوف به فسادستیزی در حد توان خود و پذیرش و تاب‌آوردن در برابر هزینه‌های آن کنش‌ها وامی‌دارد.

در تعریف اخیر که تعریف مختار متن حاضر است، «مَصْرَانه‌بودن»، «مستمربودن»، «در حد توان‌بودن» و «فردیت» اراده‌مندی^۱ مورد تأکید قرار گرفته است. از سوی دیگر چون «خواست فسادستیزی» مَصْرَانه و ملتزمانه می‌شود و شخص اراده‌مند را به حرکت و اقدام وامی‌دارد؛ لذا بازتاب «بیرونی»، «آشکار» و در نتیجه «باورپذیر» نیز خواهد داشت؛ پس اگر ادعای «مَصْرَانه‌بودن» و «ملتزم بودن» صحیح باشد «بی‌حرکتی» و «فاقد اقدام‌بودن» معنا ندارد و به همین ترتیب ادعای اراده‌مندی در مورد اموری که خارج از توان «اراده‌کننده» باشد نیز به مثابه سنگ بزرگ و نشان از عدم صدق مدعای شخص است.

براساس تعریف بالا پرسش از این که «چگونه می‌توان اراده فسادستیزی در دستگاه‌های اجرایی را تقویت کرد؟» به این معنا خواهد بود که: «چگونه می‌توان در

۱. پذیرش «فردیت اراده‌مندی» این پرسش را به ذهن متبادر می‌کند که پس منظور از «اراده جمعی» چیست؟ پاسخ روشن است جمع اراده‌ای ندارد و به کاربردن این تعبیر همراه با تسامح است و گر نه «اراده جمعی» چیزی نیست جز اراده تک تک افراد.

دستگاه‌های اجرایی، خواست مصرّانه، ملتزمانه و مستمر فرد آدمی را به گونه‌ای تقویت کرد تا وی را به انجام مجموعه کنش‌های معطوف به فسادستیزی در حد توان خود و پذیرش و تاب‌آوردن در برابر هزینه‌های آن کنش‌ها وادار کرد؟؛ بنابراین اگر در این تحقیق از اراده‌مندسازی دستگاه اجرایی سخن می‌رود منظور همان اراده‌مندسازی یا تقویت اراده فرد آدمی است.

حاصل سخن این که با توجه به توضیحاتی که درباره تعریف «اراده فسادستیزی» بیان شد پرسش اصلی تحقیق که از چگونگی تقویت اراده فسادستیزی در دستگاه‌های اجرایی سؤال می‌پرسید به تناسب هر یک از تعاریف مختلف یادشده، صور زیر را پیدا می‌کند:

✓ چگونه می‌توان در دستگاه‌های اجرایی، عزمِ باورپذیرِ آشکارِ بازیگران برای فسادستیزی را تقویت کرد؟

✓ چگونه می‌توان در دستگاه‌های اجرایی قصد/ تصمیم فرد را بر انجام و گفتن چیزی که در مبارزه با فساد نتایج مطلوب در پی خواهد داشت، تقویت کرد؟

✓ چگونه می‌توان در دستگاه‌های اجرایی، التزام مستمر سیاستمداران عالی رتبه و دیوان سالاران را به انجام مجموعه‌ای از کنش‌های معطوف به فسادستیزی و پذیرش هزینه‌های این مبارزه تقویت کرد؟

✓ چگونه می‌توان در دستگاه‌های اجرایی، خواست فسادستیزی، توان فسادستیزی و التزام به فسادستیزی را تقویت کرد؟

✓ چگونه می‌توان در دستگاه‌های اجرایی، التزام مستمر بازیگران را به برعهده‌گیری اقداماتی برای دستیابی به اهداف معطوف به کاهش فساد و پذیرش و تاب‌آوری در برابر تبعات و هزینه‌های آن، تقویت کرد؟

✓ چگونه می‌توان در دستگاه‌های اجرایی، خواست مصّرانه، ملتزمانه و مستمر فرد آدمی را به گونه‌ای تقویت کرد تا وی را به انجام مجموعه کنش‌های معطوف به فسادستیزی در حد توان خود و پذیرش و تاب‌آوردن در برابر هزینه‌های آن کنش‌ها وادار کند؟

پژوهش حاضر متناسب با تعریفی که از «اراده فسادستیزی» اختیار کرده‌است، میان تقریرهای گوناگون ارائه شده از پرسش اصلی، تقریر اخیر را مدنظر قرار می‌دهد و می‌کوشد تا در حد توان پاسخی برای آن ارائه نماید.

شاخص‌های اراده فسادستیزی

هنگامی که سؤال می‌شود «چگونه می‌توان در دستگاه‌های اجرایی، خواست مصّرانه، ملتزمانه و مستمر فرد آدمی را به گونه‌ای تقویت کرد تا وی را در حد توان خود به انجام مجموعه کنش‌های معطوف به فسادستیزی و پذیرش و تاب‌آوردن در برابر هزینه‌های آن کنش‌ها وادار کرد؟» باید نخست این نکته روشن شود که «مجموعه کنش‌های معطوف به فسادستیزی» چیست که اگر شخص مصّرانه، ملتزمانه، مستمر و در حد توان خود در پی انجام آن‌ها باشد و در برابر هزینه‌های آن تاب آورد و آن هزینه‌ها را بپذیرد، می‌توان گفت که چنین شخصی واجد وصف «اراده مبارزه با فساد» است؟

واقع این است که اراده یا همان خواست درونی فرد، به دلیل درونی و انفسی بودن قابل مشاهده نیست و تنها از راه آثار و علائم بیرونی می‌توان آن را مورد بررسی و داوری قرار داد؛ از این رو برای اراده فسادستیزی باید علائم، نشانه‌ها و شاخص‌های مشاهده‌پذیری را شناسایی یا تعیین کرد تا پس از آن بتوان گفت که برای وادار کردن شخص به خواست مصّرانه، ملتزمانه و مستمر برای انجام این کنش‌ها چه باید کرد؟ به دیگر سخن نخست باید روشن شود که اگر در عملکرد شخص چه نشانه‌ها و ویژگی‌هایی مشاهده شود می‌توان او را اراده‌مند مبارزه با فساد به شمار آورد و سپس از چگونگی ایجاد این نشانه‌ها و ویژگی‌ها یا چگونگی تقویت آن‌ها سخن به میان آورد.

ورود به بحث چپستی شاخص‌های «اراده‌مندی فسادستیزی» با بهره‌گیری از این مثال آسان‌تر و فهم‌پذیرتر می‌شود که مهر و محبت یک مادر به فرزند خردسالش را مد نظر قرار دهید. سپس تصور کنید که جان این فرزند خردسال مثلاً به خاطر بیماری به خطر افتاده باشد به نظر شما آن مادر می‌تواند مدعی باشد که خواستار نجات جان فرزند خود است اما به رغم توانایی و وجود امکان، هیچ حرکت و اقدامی انجام ندهد و بی‌تحرک باقی بماند؟

آیا این مادر در صورتی که نجات جان فرزندش نیازمند تصمیم‌گیری سنجیده و پرهیز از تصمیم‌گیری‌هایی باشد که جان فرزند را به مخاطره خواهد انداخت، می‌تواند عاقدانه بی‌گدار به آب زند و به رغم توان فکری^۱ با تصمیم‌گیری‌های ناسنجیده بی-مطالعه و ناصحیح، هزینه‌های نجات را بالابرد و با جان فرزند خود بازی کند و در عین حال خود را خواهان واقعی نجات فرزندش بداند؟

۱. این قید از این رو ذکر شده تا وضعی را که در آن مادر تحت تأثیر شدید احساسات، توان ذهنی و قدرت تفکر خود را از دست می‌دهد از موضوع خارج نماید.

آیا این مادر می‌تواند از بکارگیری توانایی‌ها و تخصص‌های دیگرانی که در نجات جان فرزندش دخیل هستند سرباز زند و در عین نادیده گرفتن آن‌ها، خود را خواستار راستین نجات فرزندش بداند؟

آیا این مادر می‌تواند خود را خواستار و اراده‌مند نجات جان فرزندش بداند ولی به فراهم کردن لوازم این کار و پذیرش دشواری‌ها و هزینه‌های این تلاش اصرار نورزد و پابندی نداشته باشد؟

آیا می‌توان این مادر را اراده‌مند و خواستار مصیر و ملتزم دانست اما در عملکرد وی استمرار در پیگیری را ندید؟

آیا می‌توان مادر مصیر و خواستار نجات جان فرزند را تصور کرد که در برابر کسانی که جان فرزند وی را به خطر انداخته‌اند یا می‌اندازند واکنش مقابله‌ای، تنبیهی و با جدیت نداشته باشد بلکه رفتاری از روی تساهل و همراه با چشم‌پوشی نشان دهد؟ ظاهراً مصیر بودن و مجد بودن با تساهل و چشم‌پوشی چندان همخوانی ندارد.

حال فرض کنید که راه نجات جان این فرزند اندک ابهاماتی داشته باشد که منوط به داشتن دانش و آگاهی روزآمد باشد، آیا این مادر می‌تواند به رغم دانستن این نکته نسبت به کسب آن دانش‌ها و آگاهی‌ها بی‌تفاوت باشد و در عین حال خود را مدعی و داعیه‌دار اراده‌مندی نجات جان فرزندش بداند؟

مجموع پرسش‌های بالا گویای این نکته است که این مادر نمی‌تواند خود را اراده‌مند و خواستار مصیر برای نجات فرزندش بداند مگر این که از خود حرکتی نشان دهد و قدمی پیش نهد، دست به سنجش‌گری هزینه‌ها و فایده‌ها بزند تا بی‌گدار به آب نزده‌باشد، از توانایی‌ها و تخصص‌های تمام کسانی که بنوعی با این فرزند نسبت

خویشاوندی دارند یا دست کم می‌توانند به وی در این هدف یاری کنند بهره‌گیرد، در این راه آشکارا هزینه صرف کند و مشقات راه را متحمل شود، با کسانی که جان فرزندش را به خطر انداخته‌اند یا به خطر می‌اندازند برخورد جدی و غیر ملاطفت‌آمیز داشته باشد، دست از تلاش مداوم بر ندارد و خسته نشود و در نهایت برای یافتن راه نجات به یادگیری متوسل شود و از آن غفلت نرزد. چنین مادری را می‌توان به حق خواستار مصر و ملتزم یا به تعبیر دیگر اراده‌مند نجات فرزندش به شمار آورد و گر نه صیرف ادعای اراده‌مندی که امری درونی است بدون بروز و ظهور علائم و نشانه‌های بیرونی نمی‌تواند گواه بر چیزی باشد. البته باید توجه داشت که «اراده‌مندی» مفهومی «مُشکِّک» و دارای مراتب مختلف است به این معنا که باید براساس منطق فازی با آن مواجه شد نه منطق «صفر و یک» یا «سفید و سیاه». شخص به هر میزان که بیشتر واجد اوصاف یادشده باشد اراده‌مندتر است و به هر میزان که از اوصاف یاد شده بهره کمتری داشته باشد به همان میزان اراده‌مندی وی ضعیف‌تر خواهد بود.

اینک می‌توان به بحث «شاخص‌های اراده فسادستیزی» بازگشت. به راستی «شاخص‌ها، ویژگی‌ها یا نشانه‌های اراده‌مندی برای مبارزه با فساد چیست؟» از آن جا که «اراده‌مندی فسادستیزی» وصف «فرد آدمی» دانسته شد، سخن از چگونگی ایجاد یا تقویت این وصف در دستگاه‌های اجرایی به معنای ایجاد یا تقویت آن در میان افراد اعم از مدیران و غیرمدیران این مجموعه‌ها است؛ یعنی باید نشان داد که اگر مدیران و غیرمدیران یک دستگاه اجرایی چه ویژگی‌های داشته باشند اراده‌مند مبارزه با فساد به شمار می‌آیند و اگر چه ویژگی‌هایی را فاقد باشند نمی‌توان آن‌ها را اراده‌مند فسادستیزی دانست؟ این جا باید نشان داد که فرد اراده‌مند مبارزه با فساد چه می‌کند که غیراراده‌مند آن کارها را انجام نمی‌دهد؟

متناظر با مثال مادر و فرزند که ذکرش گذشت می‌توان دستگاه اجرایی را به فرزند، فساد را به مثابه بیماری یا خطری که آن فرزند را تهدید می‌کند و بازیگران در دستگاه اجرایی را همچون آن مادر در نظر گرفت و مانند همان پرسش‌ها را درباره دستگاه اجرایی و بازیگران آن طرح کرد که اگر بنابر فرض فساد کارکرد و هستی دستگاه اجرایی را به مخاطره بیندازد، آیا بازیگران دستگاه اجرایی می‌توانند مدعی باشند که نجات دستگاه اجرایی از فساد را خواستارند ولی به رغم توانایی و وجود امکان، هیچ حرکت و اقدامی انجام ندهند بلکه صرفاً به تماشا بنشینند؟

آیا این بازیگران دستگاه اجرایی در صورتی که نجات آن دستگاه از شر فساد نیازمند تصمیم‌گیری سنجیده و پرهیز از تصمیم‌گیری‌هایی باشد که کارکرد و هستی دستگاه را به مخاطر خواهد انداخت، می‌توانند عاقدانه بی‌گدار به آب زنند و با تصمیم‌گیری‌های ناسنجیده بی‌مطالعه و ناصحیح، هزینه‌های مبارزه با فساد را بالا برند و با کیان، کارکرد و فلسفه وجودی دستگاه مربوطه خود بازی کند و در همان حال خود را خواهان واقعی، مصر و ملتزم نجات دستگاه اجرایی از فساد بدانند؟

آیا بازیگران دستگاه اجرایی می‌توانند از بکارگیری توانایی‌ها و تخصص‌های دیگران اعم از کارکنان، ارباب رجوع و ذی‌نفعانی - که به مثابه خویشاوندان آن فرزند به شمار می‌آیند و در فسادستیزی و نجات دستگاه از آفات فساد دخیل هستند - سرباز زنند و با نادیده گرفتن آن‌ها، همچنان خود را خواستار راستین نجات دستگاه اجرایی مربوطه از فساد بخوانند؟

آیا این بازیگران می‌توانند خود را خواستار و اراده‌مند نجات دستگاه اجرایی بدانند ولی به فراهم کردن لوازم فسادستیزی و پذیرش دشواری‌ها و هزینه‌های این مبارزه اصرار و پابندی نورزند؟

آیا می‌توان بازیگران دستگاه اجرایی را اراده‌مند و خواستار مصرّ و ملتزم دانست اما در عملکرد ایشان پیگیری مستمر و نامنقطع را ندید؟^۱

آیا می‌توان بازیگران دستگاه اجرایی را تصور کرد که مصرّ و خواستار نجات دستگاه اجرایی از فساد باشند اما در برابر کسانی که دستگاه اجرایی را به فساد کشیده یا می‌کشند و کارکرد و هستی آن را به خطر انداخته‌اند یا می‌اندازند واکنش مقابله‌ای، تنبیهی و با جدیت نداشته باشند، بلکه بالعکس رفتاری از روی تساهل و همراه با چشم‌پوشی نشان دهند؟ به نظر نمی‌رسد که مصرّبودن و مجذّب‌بودن با تساهل و چشم‌پوشی در این مورد چندان تناسبی داشته باشد.

حال متناظر با مثالی که ذکر شد فرض کنید که راه نجات دستگاه اجرایی اندک ابهاماتی داشته باشد که داشتن دانش و آگاهی روزآمد را ضرورت بخشد، آیا بازیگران دستگاه اجرایی می‌توانند نسبت به کسب آن دانش‌ها و آگاهی‌ها بی‌تفاوت باشند و در عین حال خود را خواستار مصرّ و ملتزم به نجات دستگاه اجرایی مربوطه به شمار آورند؟ به دیگر سخن آیا اراده‌مندی ایشان با «علم‌ناگرایی»، «علم‌گریزی» یا در بدبینانه‌ترین وضع با «علم‌ستیزی» آن‌ها منافات ندارد؟

مجموع ویژگی‌هایی که در پرسش‌های بالا ذکر شد در قالب گزاره‌های شرطی قابل ذکر است که ساختار آن چنین است «اگر کسی اراده فسادستیزی داشته باشد

۱. بازهم یاد آور می‌شویم که تمام این پرسش‌ها با فرض وجود شرایط، امکانات و توانایی مطرح می‌شود.

آنگاه به انجام ... اقدام می‌کند/ نمی‌کند» این ساختار نشان می‌دهد که «اراده‌مندی فسادستیزی» با داشتن برخی ویژگی‌های یاد شده در پرسش‌های بالا مستلزم تناقض است و به همین ترتیب «اراده‌مندی فسادستیزی» با فقدان و نداشتن برخی ویژگی‌های یاد شده در پرسش‌های بالا به تناقض خواهد انجامید.

با توجه به مثال‌ها و توضیحات فوق و با عطف توجه به این پرسش که «اگر بازیگران دستگاه اجرایی اراده فسادستیزی داشته باشند آنگاه چه اقداماتی را انجام خواهند داد؟» می‌توان برخی از شاخص‌ها و ویژگی‌های دال بر اراده‌مندی بازیگران دستگاه‌های اجرایی برای مبارزه با فساد را به شرح زیر بیان کرد.

۱. پیش‌گامی و آغازگری دستگاه اجرایی^۱

دستگاهی اجرایی را تصور کنید که بازیگران آن برای مبارزه با فساد قدم پیش نمی‌نهند؛ یا عاقبت‌طلبانه کناره‌گیری می‌کنند یا به نیروی محرک بیرونی و فشارهای خارج از دستگاه اجرایی چه بسا اندک جنبش و حرکتی از خود نشان دهند؛ چنین دستگاهی و چنان بازیگرانی را نه می‌توان اراده‌مند فسادستیز به شمار آورد و نه می‌توان به جنبش‌ها و حرکت‌های متأثر از بیرون ایشان در راستای مبارزه با فساد امیدی بست^۲؛ درست مانند مادری که برای درمان بیماری فرزند خود قدم پیش نگذارد طبعاً چنین دستگاهی و چنان بازیگرانی را نمی‌توان خواستاران مصرّ، ملتزم و دائمی مبارزه با فساد یا اراده‌مدان فسادستیز محسوب کرد. حال پرسش دیگری مطرح می‌شود و آن این که اگر «پیش‌گامی و آغازگری دستگاه اجرایی» در مبارزه با فساد به عنوان یکی از شاخص‌ها

۱. Government Initiative

۲. See: Derick. W. Brinkerhoff, ۲۰۱۰, Unpacking the Concept of Political Will to Confront Corruption, U۴ Policy Brief, Bergen: Chr. Michelsen Institute. See: <http://www.u۴.no/publications/unpacking-the-concept-of-political-will-to-confront-corruption/>

و نشان‌های «اراده فسادستیزی» دانسته‌شود، روش سنجش و اندازه‌گیری آن چیست؟ به دیگر سخن بازیگران دستگاه اجرایی باید چه کنند تا پیش‌قدم و آغازگر اراده مبارزه با فساد در دستگاه مربوطه به شمار آیند و نسبت به چه کسانی پیش باشند؟

واقع این است که بازیگران دستگاه‌های اجرایی باید در انجام اقدامات فسادستیز که دانایی و توانایی لازم برای انجام آن را دارند و محاسبات و سنجشگری‌های علمی ضرورت و منافع انجام آن‌ها را ارجح می‌داند بی‌تفاوت و بی‌حرکت ننشینند بلکه باید پیش‌قدم و آغازگر حرکت در مسیر انجام آن‌ها باشند این پیش‌گامی نسبت به بازیگران بیرون از دستگاه اجرایی لحاظ می‌شود؛ به دیگر سخن اراده‌مندی مبارزه با فساد مقتضی آن است که خود دستگاه‌های اجرایی و بازیگران آن به عنوان بازیگران داخل دستگاه، پیش از بازیگران فسادستیز بیرون از دستگاه از خود حرکت‌هایی در جهت مبارزه با فساد بروز دهند. از آنجا که «پیش‌گامی و آغازگری دستگاه اجرایی» به عنوان یکی از شاخص‌های اراده مبارزه با فساد، شاخصی است دارای نمود و جلوه بیرونی؛ بنابراین دستگاه اجرایی هر اقدامی را که با ملاک‌ها و معیارهای مورد وفاق در جهت مبارزه با فساد آغاز کند هم از بُعد کمی قابل اندازه‌گیری است و هم با روش‌های خاص خود از بُعد کیفی سنجش‌پذیر است و می‌توان تقدم یا تأخر و مسبوق به سابقه بودن یا بی‌سابقه بودن آن اقدام را نشان داد.

۲. سنجش‌گری هزینه‌ها، فایده‌ها و...

از جمله شاخص‌هایی که نشان از اراده‌مندی در جهت مبارزه با فساد دارد آن است که بازیگران اراده‌مند دستگاه اجرایی به عنوان بازیگران داخلی در سیاست‌گزینی و برنامه‌ریزی به توازن، سنجیدگی و درستی آن از نظر فنی، تحلیل گزینه‌ها و تبعات و نتایج

منتظره آن‌ها با هدف کاهش هزینه‌ها و افزایش فایده‌ها در راستای فسادستیزی توجه داشته باشند.^۱ هر گاه این سنجشگری‌ها و ارزیابی‌های یاد شده در مورد سیاست‌گزینی و امثال این امور در دستگاهی صورت گرفت می‌تواند یکی از نشانه‌ها و شاخص‌های گواه بر وجود اراده فسادستیزی در آن دستگاه و میان اراده‌مند آن باشد؛ در این صورت ادعای اراده‌مندی مبارزه با فساد در مورد ایشان امری باورپذیر خواهد بود؛ به همین ترتیب نمی‌توان اقدامات نامبتنی بر سیاست‌های گزینش شده یا اقدامات برخاسته از بی‌برنامه‌گی، ناسنجیده از حیث فنی، پرهزینه و کم‌فایده را در دستگاهی مشاهده کرد و در عین حال ادعای اراده‌مندی مبارزه با فساد را از آن دستگاه و بازیگران آن پذیرفت. در یک کلام نمی‌توان اراده‌مند مبارزه با فساد بود و هزینه‌سنجی، فایده‌سنجی و ارزیابی‌هایی از قبیل آنچه ذکرش گذشت نداشت؛^۲ درست به مثابه مادری که نمی‌توانست خود را اراده‌مند و خواستار واقعی، مصر و ملتزم نجات فرزندش بداند ولی در انجام اقدامات لازم برای فرزندش سنجش‌گری نکند و با بی‌گداره‌آب‌زدن جان فرزند خود را به خطر اندازد.

این پرسش درباره شاخص اخیر نیز طرح می‌شود که «هزینه‌سنجی و فایده‌سنجی» دستگاه اجرایی چگونه قابل اندازه‌گیری است؟ نکته این است که به رغم درونی و انفسی‌بودن اراده مبارزه با فساد، شاخصی چون «هزینه‌سنجی و فایده‌سنجی» از جمله امور قابل اندازه‌گیری و محاسبه است؛ به این معنا که می‌توان سیاست‌ها،

۱. See: Derick. W. Brinkerhoff, ۲۰۱۰, Unpacking the Concept of Political Will to Confront Corruption, U4 Policy Brief, Bergen: Chr. Michelsen Institute. See:

<http://www.u4.no/publications/unpacking-the-concept-of-political-will-to-confront-corruption/>
Also See: Roberto Martinez B. Kukutschka, Building Political Will; Topic Guide, Compiled by Anti Corruption Helpdesk, Transparency International, ۲۰۱۵.

۲. See: ibid.

برنامه‌ها، گزینه‌ها و شیوه‌ها، تکنیک‌ها و ابزارهای مورد استفاده برای پیش‌برد آن‌ها را قبل، حین و بعد از بکارگیری و اجرا ارزیابی و ارزش‌گذاری کرد و به میزان کم‌هزینه‌گی یا پرهزینه‌گی و کم‌فایده‌بودن یا پرفایده‌بودن آن‌ها به اراده‌مندی بیشتر یا اراده‌مندی کمتر دستگاه اجرایی و بازیگران آن حکم کرد.

اتخاذ سیاست‌ها و برنامه‌های ناسنجیده‌ای که ناسنجیدگی آن‌ها پیش از این آزمون خود را پس داده و هزینه‌های هنگفتی را بر دوش دستگاه بار کرده است، انتخاب شیوه‌ها، تکنیک‌ها و ابزارهایی که چه بسا بسیاری از آن‌ها سالیان سال است که منسوخ شده است جملگی نشانه‌های دال بر فقدان اراده مبارزه با فساد یا دست‌کم در خوش‌بینانه‌ترین وضع گواهی بر اراده‌مندی ضعیف در این باره است.

۳. بسیج ذی‌نفعان^۱

متناظر با تمثیل مادر و فرزند که ذکر شد دستگاه اجرایی و بازیگران آن را در نظر بگیرید که به رغم دانستن این نکته که بهره‌گیری از تمام ظرفیت‌های موجود- خصوصاً ظرفیت‌ها و توانمندی‌های همه کسانی که به نوعی از قِبل سلامت دستگاه اجرایی مربوطه منتفع می‌شوند- ضرورت دارد و به رغم توان انجام این کار، به گردآوردن ذی‌نفعان با هدف شناسایی، پیشگیری و مقابله با فساد مبادرت نورزد و چه بسا به جای بسیج و جلب مشارکت ایشان رویکردی خودمحور و مشارکت‌گریز اتخاذ نماید؛ در این صورت با در نظر گرفتن دو شرط یادشده آن دستگاه و بازیگران آن یا اراده‌مند مبارزه با فساد نیستند یا دچار ضعف اراده‌اند.^۲

۱. Mobilization of Stakeholders

۲. See: Derick. W. Brinkerhoff, ۲۰۱۰, Unpacking the Concept of Political Will to Confront Corruption, U۴ Policy Brief, Bergen: Chr. Michelsen Institute. See:

شاخص اخیر یعنی «بسیج ذی‌نفعان» نیز همانند شاخص‌های پیش گفته به راحتی قابل مشاهده و سنجش‌پذیر است. می‌توان میزان تلاش و توفیق دستگاه فسادستیز در راستای بسیج ذی‌نفعان را مشاهده و آن تلاش‌ها و دستاوردهای آن را از بُعد کمی و کیفی، طی یک فرایند ارزیابی روشمند مورد سنجش قرار داد.

۴. التزام علنی و تخصیص منابع^۱

بازیگران دستگاه‌های اجرایی نمی‌توانند مدعی اراده مبارزه با فساد باشند و در عین حال هیچ نمود بیرونی و گواه، شاهد و مستندی بر صدق گفتار خود بروز ندهند. صاحب‌نظران به منظور ارائه گواه بر صدق گفتار، از مدعیان اراده‌مندی مبارزه با فساد می‌خواهند تا علناً و آشکارا التزام خود به مبارزه با فساد را اعلام و نشان‌دهند و در این راه به طور شفاف و مشخص منابعی را تخصیص دهند.^۲ نمی‌توان خود یا دستگاه اجرایی مربوطه را اراده‌مند فسادستیزی دانست ولی به بهانه‌های مختلف و واهی این اراده‌مندی را آشکارا اعلام نکرد، به وضوح نشان نداد و از صرف هزینه و اختصاص منابع به آن با پنهان‌شدن در پس توجیهات ناپذیرفتنی طفره رفت. کسی که اراده مبارزه با فساد دارد باید آشکارا ملتزم بودنش به این امر مشهود باشد و علناً در این مسیر منابع لازم را صرف نماید؛ در غیر این صورت ادعای اراده‌مندی ادعایی عاری از واقعیت است.

<http://www.urf.no/publications/unpacking-the-concept-of-political-will-to-confront-corruption/>
Also See: Roberto Martinez B. Kukutschka, Building Political Will; Topic Guide, Compiled by Anti Corruption Helpdesk, Transparency International, ۲۰۱۵.

۱. Public Commitment and Allocation of Resources.

۲. See: ibid.

سنجش این شاخص با مشاهده اظهارات گفتاری، بروز رفتاری و اقدام عملی از نوع تخصیص منابع لازم- که لازم بودن یا لازم نبودن منابع تخصیصی نیز خود قابل سنجش است- ممکن است.

۵. اعمال مجازات‌ها و اعطای پاداش‌های مناسب^۱

نظر به تعاریف مختلف فساد و توجه به انگیزه‌های مفسدین در ارتکاب فساد نشان می‌دهد که از جمله وجوه مشترک آن‌ها منفعت طلبی و کسب سودی است که هزینه-کردن در این راه را برای شخص فاسد، مقتصدانه و مقرون به صرفه می‌کند.^۲ مفسدین پیش از ارتکاب فساد میزان سود و زیان و خطرات احتمالی را برآورد کرده و پس از آن که به صرفه‌گی ارتکاب برایشان محرز شد اقدام می‌کنند. اگر میزان هزینه‌ها و خطرات احتمالی ارتکاب فساد برای مفسدین بسیار بیش از منافع احتمالی آن باشد، اقدام به فساد امری مقرون به صرفه نخواهد بود و بالطبع در پی فساد رفتن نامعقول می‌نماید. این نکته در خصوص اعطای پاداش به پرهیزکنندگان از فساد، افشاگران فساد، مقابله‌کنندگان با فساد نیز صادق است به این معنا که هر چه پاداش‌ها در این خصوص افزایش می‌یابد پرهیز از فساد، افشاگری، مبارزه با فساد نیز به صرفه‌تر می‌شود؛ بنابراین میان میزان پاداش و مجازات با میزان انگیزه پرهیز از فساد یا ارتکاب فساد نسبت وثیقی برقرار است؛ با این مقدمه می‌توان به شاخص دیگری برای سنجش میزان اراده مبارزه با فساد اشاره کرد و آن «اعطای پاداش و اعمال مجازات‌های مناسب» است. براساس این شاخص نمی‌توان مدعی اراده‌مندی مبارزه با فساد بود ولی به رغم علم، توان و امکانات با اعمال مجازات‌های مناسب یا اعطای پاداش‌های

۱. Application of Credible Sanctions

۲. See: ibid.

درخور، هزینه‌های ارتکاب فساد را بالا نبرد و انگیزه‌های پرهیز از فساد را افزایش نداد. اگر بازیگران دستگاه اجرایی در ادعای خود مبنی بر اراده‌مندی فسادستیزی صادق باشند از جمله نشانه‌های صدق مدعای ایشان اعمال مجازات‌های مناسب و اعطای پاداش‌های درخور است. روشن است که مجازات‌های اعمالی و پاداش‌های اعطایی هم از نظر کیفی و هم از بُعد کمی توسط دستگاه‌های نظارتی قابل اندازه‌گیری است.

۶. روزآمدسازی دانش و تجربه مبارزه با فساد

«روزآمدسازی دانش مبارزه با فساد» از جمله شاخص‌های مهمی است که برای سنجش میزان اراده مبارزه با فساد ذکر می‌شود.^۱ هر که به جدّ خواهان فسادستیزی است برای مبارزه بهتر با فساد به دانش و تجربه‌های مبارزه با فساد نیازمند است و هر که دانش فسادستیزی را طالب باشد آخرین دستاوردهای این حوزه برای وی جذاب می‌نماید؛ بنابراین اراده‌مند مبارزه با فساد برای آن که بخواهد بهتر و موثرتر در این راه گام نهد باید دانشی به‌روز درباره فساد، روش‌ها و ابزارهای فسادستیزی داشته باشد؛ بنابراین علم‌گریزی، علم‌ستیزی، بی‌توجهی به تجربیات دستاوردها و پژوهش‌های حوزه مبارزه با فساد، تکیه صرف بر تجربه‌های نامبتنی بر دانش نظری و خودعالم‌پنداری در این حوزه جملگی اوصاف و ویژگی‌هایی است که با اراده‌مندی مبارزه با فساد ناسازگاری و منافات دارد؛ از این‌رو برای سنجش صدق ادعای فسادستیزی بازیگران دستگاه‌های اجرایی از جمله شاخص‌های سنجش‌پذیری که باید اندازه‌گیری شود میزان توجه ایشان به دانش مبارزه با فساد و تلاش برای روزآمدسازی آن و کسب آخرین دستاوردهای علمی در این حوزه است. کسی که به جدّ خواستار فسادستیزی است آخرین دستاوردهای مبارزه با فساد برایش اهمیت ویژه‌ای می‌یابد.

۱. See: ibid.

۷. انعطاف‌پذیری و سازگاری با شرایط

صاحب‌نظران برای سنجش اراده مبارزه با فساد شاخص «انعطاف‌پذیری و سازگاری با شرایط» را نیز ذکر می‌کنند؛ به این معنا که نمی‌توان با فساد مبارزه کرد و مدعی اراده مبارزه با فساد بود اما نسبت به واقعیاتی چون شرایط و موقعیت‌های گوناگون و جدیدی که در این راه پیش خواهد آمد غافل، بی‌تفاوت، نامنعطف یا منکر بود.^۱ این انعطاف-پذیری و سازگاری با شرایط و موقعیت‌های محتمل، گواهی بر اراده‌مندی مبارزه با فساد است و در مقابل انعطاف‌ناپذیری و ناسازگاری با اوضاع و شرایط یادشده از جمله نشانه‌های عدم اراده‌مندی برای فسادستیزی محسوب می‌شود. لب کلام این که با جزم و جمود و موقع‌ناشناسی نمی‌توان با فساد مبارزه کرد و کسی که این نکته را بداند و توان آن را داشته باشد اما انعطاف‌ناپذیری و ناسازگاری نماید یکی از شاخص‌های اراده فسادستیزی را فاقد است؛ مضافاً این که همین انعطاف‌ناپذیری، ناسازگاری و موقع-ناشناسی که غالباً فرصت‌سوزی‌هایی را به همراه دارد نیز خود هم فساد است و هم موجب فساد.

۸. استمرار شاخص‌های پیش‌گفته

این جا سخن بر سر آن است که شخص اراده‌مند مبارزه با فساد باید در تلاش‌های خود برای مبارزه با فساد مداومت داشته باشد. قلمرو این تلاش‌های مداوم در شاخص-های پیش‌گامی و آغازگری، سنجش‌گری هزینه‌ها و فایده‌ها، بسیج ذی‌نفعان، التزام علنی و تخصیص منابع، اعمال مجازات‌ها و اعطای پاداش‌های مناسب، روزآمدسازی دانش مبارزه با فساد و انعطاف‌پذیری و سازگاری با شرایط است؛ به این معنا، کسی می‌تواند مدعی اراده‌مندی مبارزه با فساد باشد که در پیش‌گامی و آغازگری برای مبارزه

۱. See: ibid.

با فساد مداومت داشته باشد؛ پیوسته به سنجش‌گری هزینه‌ها، فایده‌های سیاست‌ها و برنامه‌های مبارزه با فساد بپردازد؛ همواره ذی‌نفعان را با هدف مبارزه با فساد سازماندهی و بسیج نماید؛ دائماً به التزام علنی و تخصیص منابع برای فسادستیزی پایبند باشد؛ مدام به اعمال مجازات‌ها و اعطای پاداش‌های مناسب مبادرت ورزد؛ همواره دانش خود درباره مبارزه با فساد را روزآمد نگه دارد و عملاً به انعطاف‌پذیری دائم و سازگاری با شرایط توجه داشته باشد؛ بدون استمرار در شاخص‌های یادشده، هرگونه اقدامی در راه مبارزه با فساد حرکتی مقطعی و بیشتر اقدامی نمادین به نظر می‌رسد تا حرکتی دال بر اراده‌مندی مبارزه با فساد.

شاخص اخیر یعنی «استمرار شاخص‌های پیش‌گفته»، شاخصی است که به فراخور زمان‌های مختلف گذشته، حال و آینده قابل سنجش است؛ مثلاً می‌توان سنجید که میزان تخصیص منابع برای مبارزه با فساد در یک دستگاه توسط بازیگران آن در گذشته به چه میزان بود؛ اکنون چقدر است و (بنابر برنامه‌های آتی) در آینده قرار است به چه میزان باشد؟ به همین ترتیب استمرار سایر شاخص‌ها نیز سنجش‌پذیر است.

ایجاد و تقویت اراده فسادستیزی

پاسخ به این پرسش که «چگونه می‌توان اراده فسادستیزی در دستگاه‌های اجرایی را ایجاد یا تقویت کرد؟» به معنای آن است که پرسش‌کننده می‌خواهد بداند با اعمال چه تدابیری می‌توان دستگاه‌های اجرایی را واداشت تا پیوسته فسادستیزی را مصّرانه و ملتزمانه بخواهد؛ در این راه در حد توان بکوشند و هزینه‌ها و دشواری‌های مسیر را نیز بپذیرند؟ از آن جا که عمده مخاطبان این تحقیق بازرسان سازمان بازرسی کل کشور هستند، نویسنده در پاسخ به پرسش یادشده به وظایف و اختیارات این سازمان عطف

توجه بیشتری می‌کند و این را مفروض می‌گیرد که اگر سازمان بازرسی این پرسش را طرح کند، پاسخ شایسته با آن چیست؟ به دیگر سخن اگر پرسش این گونه طرح شود که «سازمان بازرسی چه کند تا دستگاه‌های اجرایی همواره فسادستیزی را مصّرانه و ملتزمانه بخواهند و در این راه در حد توان بکوشند و هزینه‌ها و دشواری‌های طی این مسیر را نیز بپذیرد؟» آن گاه پاسخ چیست؟

بخش حاضر به بررسی مجموعه اقداماتی می‌پردازد که مطالبه برای پیاده‌سازی آن‌ها در دستگاه‌های اجرایی به ایجاد و تقویت اراده فسادستیزی در دستگاه‌های اجرایی کمک می‌کند. اگر سازمان بازرسی کل کشور در نظارت‌ها و بازرسی‌های خود پیگیری، پیاده‌سازی و تحقق این اقدامات را در دستورکار و چک‌لیست اولویت‌های مطالباتی خود از دستگاه‌های اجرایی قرار دهد به تدریج - تأکید می‌شود به تدریج - شاهد ثمرات و پیامدهای چشم‌گیر و طبیعی آن خواهد بود. برخی از این اقدامات و مطالبات به شرح زیر است.

۱. **نیروگزینی صحیح؛** از جمله تقویت‌کننده‌های اراده مبارزه با فساد بینش و ارزیابی فردی بازیگران دستگاه‌های اجرایی است که قدرت را در دست دارند. برخی از این افراد از درون و بی نیاز به فشارهای اجتماعی، انگیزه کافی برای مبارزه با فساد را دارند. مهم‌ترین علت این انگیزه بینش و ادراک این افراد نسبت به هزینه‌های اجتماعی فساد است.^۱ اصل نیروگزینی صحیح بر این نکته استوار است که گزینش عامل فردی^۲ یا نیروی انسانی یا به تعبیر خاص‌تر گزینش مدیر فسادستیز اگر چه دشوار است اما تبدیل مدیر مفسدی که لزوم مبارزه با فساد را باور ندارد به مدیری صالح و فسادستیز دشوارتر

۱. رک: چیدمان تاکتیک ضد فساد به نشانی:

<https://donya-e-eqtesad.com>

۲. Individual Factor

و نامحتمل‌تر می‌نماید؛^۱ از این‌رو بهتر آن است که آب از سرچشمه بسته شود؛^۲ پس برای سازمان بازرسی کل کشور از جمله گام‌های لازم در ایجاد و تقویت اراده مبارزه با فساد آن است که از دستگاه‌های اجرایی، گزینش نیروی انسانی و مدیران فسادستیز را مطالبه نماید. طبعاً این کار مستلزم بررسی دقیق و موشکافانه در خصوص محتوا آزمون‌ها، مصاحبه‌ها و شاخص‌های گزینش و شناسایی نیروی انسانی و نحوه اجرای آن‌هاست که چنین گزینش‌هایی امروزه در دنیا متدهای علمی خاص خود را دارد؛ از این‌رو سلیقه‌گرایی و ادعای نسبی‌بودن در این خصوص دیگر مورد قبول نیست.

نیروی انسانی و مدیر فسادستیز از نظر باورها، احساسات، هیجانات، خواسته‌ها، هنجارها، آرزوها و انگیزه‌ها واجد ویژگی‌ها و مشخصه‌هایی است که دیگران آن ویژگی‌ها و مشخصه‌ها را دست‌کم از بعد کمی یا کیفی فاقدند؛ از این‌رو شناسایی فسادستیزان مبتنی بر سنجش باورها، احساسات، هیجانات، خواسته‌ها، هنجارها، آرزوها و انگیزه‌های آن‌ها است که سازمان بازرسی کل کشور می‌تواند از دستگاه‌های اجرایی مطالبه نماید؛ به دیگر سخن سازمان بازرسی کل کشور می‌تواند از دستگاه‌های اجرایی پاسخ‌خواهی کند که بر چه اساس و مبنایی فسادستیزبودن نیروی انسانی خود را تأیید می‌کنند؟ این گام نظارت سازمان بر ورودی‌های دستگاه‌های اجرایی است یا به بیانی نظارت بر سرچشمه‌ها است.

۲. آموزش و فرهنگ‌سازی؛ پس از گزینش صحیح نیروی انسانی و مدیران فسادستیز که مستلزم برخورداری از برخی از حداقل‌های لازم برای مبارزه با فساد است، نوبت به

۱. See: Roberto Martinez B. Kukutschka, Building Political Will; Topic Guide, Compiled by Anti Corruption Helpdesk, Transparency International, ۲۰۱۵.

۲. ای سلیم آب زسرچشمه ببند/ که چو پُر شد نتوان بستن جوی (گلستان سعدی حکایت ۱۰ باب هشتم در آداب صحبت)

آموزش و فرهنگ‌سازی در این زمینه می‌رسد.^۱ در این گام سازمان بازرسی کل کشور از بازیگران دستگاه‌های اجرایی می‌خواهد تا نشان‌دهند که در زمینه آموزش و فرهنگ‌سازی برای مبارزه با فساد چه کرده‌اند؟ چه می‌کنند و چه برنامه‌هایی برای آینده در دستورکار دارند؟ این آموزش‌ها و برنامه‌های معطوف به ایجاد و تقویت فرهنگ فسادستیزی، در دانش روز دنیا شاخص‌هایی برای ارزیابی عینی و غیرسلیقه‌ای دارد که در راستی‌آزمایی‌های سازمان بازرسی از آموزش‌ها و گزارش‌های اعلامی دستگاه‌های اجرایی لحاظ می‌گردد. علم و آگاهی این بازیگران در زمینه فساد و وجود فرهنگ فسادستیزی میان آن‌ها از مقدمات لازم برای اراده مبارزه با فساد است. اراده مبارزه با فساد اگر بخواهد مفید واقع شود مستلزم آن است که فرد درباره فساد، مفسد، فسادزایی، فسادزدایی، فسادستیزی، فسادیابی، روش‌های مبارزه با فساد، ابزارها و امثال این امور که قرار است مستقیم یا با واسطه متعلق اراده وی قرار گیرند حدی از دانش و آگاهی را واجد باشد.

مطالبه در خصوص آموزش و فرهنگ‌سازی میان بازیگران دستگاه‌ها باید به مطالبات دائمی سازمان از دستگاه‌ها بدل شود و در این مورد ارزیابی‌های دقیق و راستی‌آزمایی‌های لازم به عمل آید؛ از افتادن در دام کمیت‌گرایی و ارائه آمارهای چشم‌پُرکن و اعداد و ارقام بی‌خاصیت اجتناب شود و برای پیشگیری از گزارش‌های خلاف واقع و تهی از محتوا درباره آموزش‌ها ضمانت‌های اجرایی لازم لحاظ شود.

بازیگران دستگاه‌های اجرایی در آموزش و فرهنگ‌سازی تدابیری را در نظر خواهند گرفت که طی آن باورها، احساسات، هیجانات، سلیق، خواسته‌ها، هنجارها، آرزوها و انگیزه‌های افراد درباره فساد، مفسد، فسادزایی، فسادزدایی، فسادستیزی،

۱. See: ibid.

فسادیابی، روش‌های مبارزه با فساد، ابزارها و ... جرح و تعدیل می‌شود؛ باورها اصلاح می‌شود و نادرستی‌های آن به چالش کشیده می‌شود؛ خواسته‌ها بیش‌از پیش به معقول-بودن و واقع‌گرایی نزدیک می‌گردد؛ هیجانات در حد ممکن تعدیل، کنترل و جهت‌دار می‌شود؛ انگیزه‌ها در معرض نقد و ارزیابی قرار می‌گیرد و حدود و قلمرو سلاقی مشخص می‌گردد.

۳. **بهسازی وظایف و رویه‌های سازمانی**؛ اگر سازمان بازرسی بخواند اراده مبارزه با فساد را در دستگاه‌های اجرایی ایجاد و تقویت کند باید به اصلاح محیط اداری از حیث وظایف سازمانی، رویه‌های اداری و شیوه‌های ارزیابی توجه نماید و این قبیل امور را در فهرست مطالبات خود از دستگاه‌های اجرایی قرار دهد؛ به این معنا که سازمان باید از دستگاه‌های اجرایی بخواهد تا وظایف، فرایندها و رویه‌های خود را دقیق، مبتنی بر روش‌های علمی و شفاف نمایند؛ دقت، روشمندی و شفافیتی که فرایند ارزیابی، پاسخ-خواهی، پاسخ‌دهی، اطلاع‌رسانی و گردش اطلاعات را متأثر می‌کند؛ قانون را محور قرار می‌دهد و در صورت امکان و تاحد ممکن از مدیریت، تمرکززدایی می‌نماید.^۱ این بهسازی یا همان اصلاح محیط اداری به عنوان عاملی که به اراده‌مندی بازیگران دستگاه‌های اجرایی برای مبارزه با فساد می‌افزاید، از جمله مطالبات سازمان بازرسی کل کشور از دستگاه‌های اجرایی خواهد بود؛ طبعاً بازیگران دستگاه اجرایی که در آن وظایف، فرایندها و رویه‌های ارزیابی، پاسخ‌خواهی، پاسخ‌دهی، اطلاع‌رسانی و گردش اطلاعات دقیق، مبتنی بر روش‌های علمی روشن و شفاف گشته، قانون، محوریت یافته و نظام مدیریت در صورت امکان و تاحد ممکن تمرکززدایی شده‌است به سختی می‌توانند از اراده‌مندی برای فسادستیزی سر باز زنند و شانه خالی کنند.

۱. See: ibid.

مطالبات اخیر- یعنی دقت، روشمندی و شفافیتی که فرایند ارزیابی، پاسخ‌خواهی، پاسخ‌دهی، اطلاع‌رسانی و گردش اطلاعات را متأثر کند؛ قانون را محور قرار دهد و در صورت امکان و تا حد ممکن از مدیریت، تمرکززدایی ننماید- نیز مطالباتی است که میزان تحقق آن هم از حیث کمی و هم از بُعد کیفی برای سازمان بازرسی کل کشور سنجش‌پذیر است.

۴. بسیج، آموزش و شرکت‌دادن کارکنان و ارباب رجوع؛ ایجاد اراده مبارزه با فساد، مستلزم آن است که سازمان بازرسی کل کشور از بازیگران دستگاه‌های اجرایی بخواهد تا کارکنان و ارباب رجوع خود را با هدف فسادستیزی و ایجاد مطالبه مبارزه با فساد در آن‌ها، بسیج کنند؛ و پس از آموزش‌های لازم، آنان را در فعالیت‌های دستگاه اجرایی مشارکت دهند؛^۱ مشارکتی که از اصول اولیه مردم‌سالاری است؛ طبعاً چنین بسیجی و چنان مشارکتی مسبوق است به ایجاد مطالبه و اعتماد متقابل؛^۲ تا وقتی این مطالبه دوسویه و اعتماد طرفینی محقق نشود، بسیج، آموزش و مشارکتی رخ نخواهد داد. پشتوانه این کار حمایت‌های مالی و غیرمالی است که دستگاه مربوطه باید انجام دهد و سازمان بازرسی آن را از دستگاه اجرایی بخواهد. این عامل اراده‌مندی دستگاه اجرایی برای مبارزه با فساد از نظر کمی و کیفی بر اساس روش‌های مختص به خود قابل سنجش است؛ مثلاً آموزش‌هایی که در این زمینه صورت می‌گیرد از جهت تعداد و کیفیت قابل ارزیابی است؛ به همین ترتیب شاخص‌های سنجش میزان مشارکت و نحوه مشارکت و چگونگی مشارکت نیز سنجش‌پذیرند.

۱. See: ibid.

۲. رک: چیدمان تاکتیک ضد فساد به نشانی:

۵. تعامل با رسانه‌ها؛ ایجاد و تقویت مجاری گردش اطلاعات؛ ایجاد و تقویت اراده مبارزه با فساد، سازمان بازرسی را بر آن می‌دارد تا از یک سو تعامل تعریف‌شده و هدفمند با رسانه‌ها را به منظور تحقق گردش صحیح اطلاعات و شفافیت، از دستگاه‌های اجرایی مطالبه نماید و از سوی دیگر با حمایت خود از رسانه‌ها عرصه را برای فساد تنگ نماید.^۱ وقوع فساد در دستگاه اجرایی، دوام آن و ریشه‌دواندن آن مستلزم حدی از ابهام است و ناآگاهی دستگاه‌های نظارتی، ذی‌نفعان، ارباب رجوع و جامعه را می‌طلبد؛ ناآگاهی که تعامل با رسانه‌ها درست نقطه مقابل آن است. رسانه‌ها به مثابه چشمان ناظر، تصمیم‌سازان عرصه مدیریت را پاسخگوی اقداماتشان نگاه می‌دارند و با آشکارسازی معایب دستگاه‌های اجرایی می‌توانند به اصلاح این دستگاه‌ها سرعت بخشند؛ مضافاً این که رشد آگاهی عموم درباره روند و سازوکارهای عملکرد دستگاه اجرایی، به تقویت اراده مبارزه با فساد در این دستگاه‌ها یاری می‌رساند.

رسانه‌های جمعی، برای بیان نارضایتی‌ها و مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها، گروه‌های شهروندی متشکل از ذی‌نفعان و ارباب رجوع ایجاد می‌کنند و از راه برجسته‌کردن سوء جریانات دستگاه‌های اجرایی و نشان‌دادن فساد در این دستگاه‌ها می‌توانند چنان تنگنای اجتماعی، حیثیتی ایجادکنند تا مفسدین را در دستگاه اجرایی از ترس بی‌آبرویی به استعفا و از دست دادن منصب خود وادار نمایند.^۲

اینک پرسش همیشگی قابل طرح است که اگر سازمان بازرسی کل کشور بخواهد تعامل با رسانه‌ها و ایجاد و تقویت مجاری گردش اطلاعات میان دستگاه

۱. See: ibid.

۲. عارف، رضا، رسانه‌های جمعی بازوی کمکی دستگاه‌های نظارتی، گزارش پژوهشی، سال یازدهم، شماره ۱۰۹، سازمان بازرسی کل کشور، خرداد ۱۳۹۷، ص ۲۲-۲۵.

اجرایی و جامعه را در فهرست مطالبات خود از دستگاه‌ها قرار دهد آیا این تعامل و کیفیت آن با شاخص‌های عینی قابل اندازه‌گیری است یا خیر؟ نویسنده بر این باور است که هم میزان تعامل و هم چگونگی آن قابلیت ارزیابی و سنجش را دارد؛ از این رو می‌تواند از جمله مطالبات سازمان از دستگاه‌های اجرایی باشد.

۶. **تعامل با منتقدان؛** همواره یکی از مهمترین انگیزه‌های حرکت برای دستگاه‌های اجرایی و بازیگران آن‌ها، منتقدان تیزبین و مترصدی هستند که عملکرد دستگاه را زیر نظر دارند. این منتقدان خواه از رقبای، خواه از کارکنان، خواه از ذی‌نفعان و خواه از مخالفان باشند، انگیزاننده‌های بسیار نیرومند و قوی برای بازیگران دستگاه‌های اجرای در جهت خواست و اراده مبارزه با فساد هستند.^۱ اگر چه نقدهای این منتقدان می‌تواند بسیار گزنده و در نتیجه عامل حرکت باشد اما در مقابل مفسدین دستگاه‌های اجرایی، نیز برای پرهیز از حرکت، زیر بار پذیرش نرفتن و حفظ وضع موجود خود، شیوه‌هایی را برمی‌گزیند که بیشتر به منحل‌سازی مسأله شباهت دارد تا حل آن مثلاً ممکن است به جای تعامل سازنده با منتقد و پذیرش انتقاد وی یا دست‌کم شنیدن آن، به تخریب شخصیت، اخراج یا محروم‌سازی وی از برخی خدمات و امکانات روی آورند. این مسأله دو پرسش را به ذهن متبادر می‌سازد: یکی این که آیا سازمان بازرسی می‌تواند از بازیگران دستگاه‌های اجرایی سازوکار تعریف‌شده، مشخص، شفاف و الزام‌آوری را برای تعامل با منتقدان، شنیدن سخن ایشان و حمایت از آن‌ها، مطالبه نماید؟ و پرسش دوم این که آیا چنین مطالبه‌ای از سوی سازمان بازرسی قابلیت ارزیابی، اندازه‌گیری و سنجش را دارد یا نه؟

۱. See: Roberto Martinez B. Kukutschka, Building Political Will; Topic Guide, Compiled by Anti Corruption Helpdesk, Transparency International, ۲۰۱۵.

واقع این است که هم مطالبه سازوکار یادشده ممکن و معقول است و هم ارزیابی آن امری شدنی است؛ اما باید توجه داشت که نحوه سنجش و ارزیابی چنان سازوکاری متأخر از تعریف آن است؛ به این معنا که نخست باید آن سازوکار تعریف شود و حدود و ثغور آن تعیین گردد، سپس از نحوه ارزیابی آن سخن به میان آید.

۷. **تعیین و افزایش ضمانت‌های اجرایی؛** اگر ارتکاب فساد برای مفسدین در دستگاه‌های اجرایی مجازات‌های مناسب^۱ و هزینه‌ای داشته باشد که بیش از منافع احتمالی حاصل از ارتکاب فساد باشد و به لحاظ سنجش هزینه فایده برای مرتکبین فساد به صرفه نباشد طبعاً انگیزه‌های ارتکاب آن کم می‌شود و در مقابل اراده پرهیز از آن افزایش خواهد یافت.^۲ این نکته در مورد افزایش حقوق، مزایا و مشوق‌های پایندی به سلامت اداری نیز صادق است.^۳ با این توضیح در جواب این پرسش که «چه باید کرد تا انگیزه اراده مبارزه با فساد در دستگاه‌های اجرایی تقویت شود؟» یکی از کارهایی که می‌توان پیشنهاد داد عبارت خواهد بود از: «افزایش هزینه‌های ارتکاب فساد و کاهش منافع حاصل از آن»؛ بنابر این می‌توان گفت که سازمان بازرسی برای تحقق چنین اراده‌ای در دستگاه‌های اجرایی و تقویت آن باید از بازیگران دستگاه‌های اجرایی بخواهد که هزینه‌های ارتکاب فساد در دستگاه مربوطه را بالا ببرند و در مقابل منافع احتمالی حاصل از فساد را کاهش دهند؛ همچنین مشوق‌ها و انگیزه‌های سلامت اداری را نیز به تناسب افزایش دهند. این امر مستلزم از بین بردن فرهنگ معافیت و مصونیت

۱. Credible Sanctions

۲. See: Derick. W. Brinkerhoff, ۲۰۱۰, Unpacking the Concept of Political Will to Confront Corruption, U۴ Policy Brief, Bergen: Chr. Michelsen Institute. See: <http://www.u۴.no/publications/unpacking-the-concept-of-political-will-to-confront-corruption/>

۳. رک: از اراده سیاسی دولت تا کمک رسانه‌های جمعی در مبارزه با فساد به نشانی: <https://snn.ir/fa/news>

از مجازات برای مفسدین و گنجاندن آبرو و حیثیت مرتکبین در میان هزینه‌های پرداختی برای ارتکاب فساد است^۱؛ یعنی شخص باید به این باور برسد که برای دست یافتن به منافع نامشروع و غیرقانونی خود، آبرو و حیثیت اجتماعی خود را هزینه خواهد کرد. بالابردن هزینه‌ها و پایین آوردن منافع، دستگاه‌های اجرایی مربوطه را به وضع مقرراتی با ضمانت‌های اجرایی بالا سوق می‌دهد مقرراتی که از بین بردن آبرو، اعتبار و منزلت اجتماعی فرد مفسد را نشانه می‌رود. این مقررات باید بر ضمانت‌ها و پشتوانه‌های قوی مبتنی باشد تا نتوان به راحتی از اجرای آن‌ها شانه خالی کرد.

سازمان بازرسی کل کشور می‌تواند بالابردن هزینه‌ها و تعیین ضمانت‌های اجرایی قوی را از دستگاه‌های اجرایی مطالبه کند و خود نیز در پشتیبانی و تضمین اجرای آن‌ها نقش یاری‌رسان را بازی کند؛ در این صورت مطالبه سازمان از بازیگران دستگاه‌های اجرایی به طور شفاف چنین خواهد بود که «شما برای بالابردن هزینه‌های ارتکاب فساد و پایین آوردن منافع حاصل از آن و برای افزایش مشوق‌های مقوم سلامت اداری چه اقداماتی انجام داده‌اید/ انجام می‌دهید/ انجام خواهید داد؟» طبعاً در پی این پرسش، پرسش‌های دیگری نیز ذیل مطالبات سازمان بازرسی قرار می‌گیرد که مجال دیگری می‌طلبد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بحث از اراده مبارزه با فساد هنگامی طرح می‌شود و اهمیت پیدا می‌کند که در فرایند فسادستیزی وضعی پدید آید که در آن دانش، امکانات، ابزارها و شرایط برای مبارزه با

۱. رک: از اراده سیاسی دولت تا کمک رسانه‌های جمعی در مبارزه با فساد به نشانی:

فساد مهیا است اما اقدامی صورت نمی‌گیرد؛ در چنین وضعی این پرسش مطرح می‌شود که چرا به رغم وجود دانش، امکانات، ابزارها و شرایط برای مبارزه با فساد، اقدامی صورت نمی‌گیرد؟ این پرسش انگشت اتهام را به سمت «فقدان اراده فسادستیزی» نشانه می‌رود. در این نوشته این فقدان اراده فسادستیزی مشخصاً در دستگاه‌های اجرایی مد نظر است و لذا تقریر دقیق‌تر پرسش بالا این است که گفته شود:

چرا بازیگران برخی دستگاه‌های اجرایی به رغم برخورداری از دانش، امکانات، ابزارها و شرایط برای مبارزه با فساد، اقدام خاصی انجام نمی‌دهند؟

پرسش بالا مسیر بحث را به سمت ایضاح مراد از «دستگاه اجرایی» و تعریف «اراده فسادستیزی» سوق می‌دهد. نویسنده به عنوان لوازم ورود به بحث، نخست بر اساس ماده ۵ قانون مدیریت خدمات کشوری (مصوب ۱۳۸۶)، ماده ۴۶ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (مصوب ۱۳۸۰) و ماده ۱۱۷ قانون مدیریت خدمات کشوری، مراد از دستگاه‌های اجرایی را روشن می‌کند. پس از آن با ورود به بحث از تعاریف مختلف «اراده فسادستیزی» و گردآوری مؤلفه‌های مهم یادشده در هر یک از تعاریفها سرانجام این تعریف به عنوان تعریف مختار برمی‌گزیند:

اراده فسادستیزی، خواست مصّرانه، ملتزمانه و مستمر فرد انسانی است که وی را به انجام مجموعه‌ای از کنش‌های معطوف به فسادستیزی در حدّ توان خود و پذیرش و تاب‌آوردن در برابر هزینه‌های آن کنش‌ها وامی‌دارد.

با انتخاب تعریف یادشده گام بعدی این بود که مشخص شود اگر فرد انسانی فعال در دستگاه اجرایی چه مشخصه‌های داشته باشد می‌توان آن مشخصه‌ها را دال بر اراده-مندی وی بر مبارزه با فساد تلقی کرد؛ به دیگر سخن شاخص‌های اراده مبارزه با فساد چیست؟

براساس دیدگاه صاحب‌نظران برخی از شاخص‌های «اراده فسادستیزی» در دستگاه‌های اجرایی به شرح زیر ذکر شد:

۱. پیش‌گامی و آغازگری دستگاه اجرایی
۲. سنجش‌گری هزینه‌ها، فایده‌ها و ...
۳. بسیج ذی‌نفعان
۴. التزام علنی و تخصیص منابع
۵. اعمال مجازات‌های متناسب و اعطای پاداش‌های مناسب
۶. روزآمدسازی دانش و تجربه مبارزه با فساد
۷. انعطاف‌پذیری و سازگاری با شرایط
۸. استمرار شاخص‌های پیش‌گفته

توضیح شاخص‌های بالا این که بازیگران دستگاه‌های اجرایی نمی‌توانند ادعای اراده‌مندی فسادستیزی نمایند و در عین حال در امر مبارزه با فساد پیش‌قدم و آغازگر نباشند؛ سنجش‌گری هزینه‌ها و فایده‌ها را نکنند؛ ذی‌نفعان را بر مقابله با فساد بسیج نمایند؛ التزام خود را به مبارزه با فساد آشکارا ابراز نکنند و در این راه منابعی را تخصیص ندهند؛ مجازات‌های بازدارنده و پاداش‌های انگیزاننده اعمال ننمایند؛ دانش و تجارب خود را روزآمد نکنند؛ در سازگاری با شرایط از خود انعطاف نشان ندهند و در نهایت در پایبندی به شاخص‌های یادشده استمرار به خرج ندهند.

به هر میزان که شاخص‌های یاد شده در دستگاه اجرایی محقق شود و به هر میزان که بازیگران آن دستگاه‌ها از خود پایبندی بیشتری در این زمینه نشان دهند به همان اندازه آن دستگاه و آن افراد اراده‌مندی بیشتری برای مبارزه با فساد دارند؛ این بدان

معناست که اراده‌مندی امری ذومراتب است که از ضعیف‌ترین حد اراده‌مندی تا قوی‌ترین حد اراده‌مندی را شامل می‌شود.

پس از این که روشن شد «اراده مبارزه با فساد چیست؟» و «شاخص‌های اراده‌مندی برای مبارزه با فساد کدام است؟» گام بعدی پاسخ به این پرسش بود که «چگونه می‌توان اراده فسادستیزی را در دستگاه‌های اجرایی ایجاد و تقویت کرد؟» در پاسخ به این پرسش از منظر مخاطب اصلی این پژوهش؛ یعنی سازمان بازرسی کل کشور به موضوع نگریسته شد و در واقع پرسش به این صورت طرح گردید:

«سازمان بازرسی کل کشور چگونه می‌تواند اراده فسادستیزی را در دستگاه‌های اجرایی ایجاد و تقویت نماید؟»

تنوع و تکرر دستگاه‌های اجرایی و محدودیت‌های سازمان بازرسی کل کشور موجب می‌شود که این سازمان نتواند برای تحقق شاخص‌های اراده‌مندی در دستگاه‌های اجرایی به ارائه نسخه‌های اختصاصی برای هر یک از این دستگاه‌ها بپردازد اما دو اقدام مهم در این زمینه ممکن و مطلوب است. یکی اقدامات مشترکی که در تمام دستگاه‌ها شدنی و ضروری است و دوم واگذاری روش‌ها به خود دستگاه‌ها و در عوض مطالبه نتایج مد نظر و ارزیابی آن‌ها؛ به دیگر سخن سازمان بازرسی کل کشور مدیریت ایجاد و تقویت اراده مبارزه با فساد در دستگاه‌های اجرایی را به عهده می‌گیرد و انتخاب روش‌ها و ابزارها برعهده خود دستگاه‌ها خواهد بود. این رویکرد بر این مبنا استوار است که سازمان بازرسی کل کشور در راستای مبارزه با فساد اقدامات زیر را در حد توان در فهرست مطالبات مصّرانه، ملزمانه و مستمر خود از دستگاه‌های اجرایی قرار دهد و تا آنجا که ممکن است هزینه‌های این خواسته‌ها و مطالبات را بپذیرد و بر دشواری‌های آن تاب آورد:

۱. نیروگزینی صحیح
 ۲. آموزش و فرهنگ‌سازی
 ۳. بهسازی وظایف و رویه‌های سازمانی
 ۴. بسیج، آموزش و شرکت‌دادن کارکنان و ارباب‌رجوع
 ۵. تعیین و افزایش ضمانت‌های اجرایی
 ۶. تعامل با منتقدان
 ۷. تعامل با رسانه‌ها؛ ایجاد و تقویت مجاری گردش اطلاعات
- بر اساس اقدامات یاد شده، مطالبات مصّرانه، ملّزمانه و مستمرّ سازمان از دستگاه‌های اجرایی به شرح ذیل خواهد بود:
۱. **مطالبه نخست؛** دستگاه اجرایی باید پاسخ دهد که بر چه اساس و مبنایی فسادستیزبودن نیروی انسانی خود را تأیید می‌کند؟
 ۲. **مطالبه دوم؛** دستگاه اجرایی باید پاسخ دهد که در زمینه آموزش و فرهنگ‌سازی برای مبارزه با فساد چه کرده‌است؛ چه می‌کند و چه برنامه‌هایی برای آینده در دستورکار دارد که با آن [برنامه] باورها، احساسات، هیجانات، سلايق، خواسته‌ها، هنجارها، آرزوها و انگیزه‌های افراد درباره فساد، مفسد، فسادزایی، فسادزُدایی، فسادستیزی، فسادیابی، روش‌ها و ابزارهای مبارزه با فساد و ... جرح و تعدیل می‌شود؟
 ۳. **مطالبه سوم؛** سازمان باید از دستگاه‌های اجرایی بخواهد تا وظایف، فرایندها و رویه‌های خود را دقیق، مبتنی بر روش‌های علمی و شفاف نمایند؛ دقت، روشمندی و شفافیتی که فرایند ارزیابی، پاسخ‌خواهی، پاسخ‌دهی، اطلاع‌رسانی و گردش

اطلاعات را متأثر می‌کند؛ قانون را محور قرار می‌دهد و در صورت امکان و تا حد ممکن از مدیریت، تمرکززدایی می‌نماید.

۴. **مطالبه چهارم؛** سازمان بازرسی کل کشور باید از دستگاه‌های اجرایی بخواهد تا کارکنان و ارباب رجوع خود را با هدف فسادستیزی و ایجاد مطالبه مبارزه با فساد، بسیج کنند و پس از آموزش‌های لازم، آنان را در فعالیت‌های دستگاه اجرایی مشارکت دهند.

۵. **مطالبه پنجم؛** سازمان باید از بازیگران دستگاه‌های اجرایی پاسخ‌خواهی کند که برای بالابردن هزینه‌های ارتکاب فساد و پایین آوردن منافع حاصل از آن و برای افزایش مشوق‌های مقوم سلامت اداری یا به تعبیر بهتر برای ضمانت اقدامات فسادستیز چه کارهایی انجام داده‌اند/ انجام می‌دهند/ انجام خواهند داد؟

۶. **مطالبه ششم؛** سازمان باید از بازیگران دستگاه‌های اجرایی سازوکار تعریف‌شده، مشخص، شفاف و الزام‌آوری را برای تعامل با منتقدان، شنیدن سخن ایشان و حمایت از آن‌ها، مطالبه نماید؟

۷. **مطالبه هفتم؛** سازمان بازرسی کل کشور از دستگاه‌های اجرایی تعامل با رسانه‌ها و ایجاد و تقویت مجاری گردش اطلاعات میان دستگاه اجرایی و جامعه را مطالبه نماید.

پس از بیان مطالبات سازمان از دستگاه‌های اجرایی و اذعان به سنجش‌پذیری عینی و غیر سلیقه‌ای آن‌ها، این پرسش ممکن است به ذهن خطور کند که ایجاد اراده مبارزه با فساد منوط به اقدامات یادشده دانسته شد و در همان حال اقدامات یادشده نیز منوط به وجود اراده مبارزه با فساد لحاظ شد و این نوعی دور به نظر می‌رسد؛ گویی

چیزی بر خودش توقف دارد؛ حال آن که چنین نیست. واقع این است که «اراده» انجام اقدامات یادشده از سوی سازمان بازرسی کل کشور به دستگاه اجرایی سرایت می‌کند و پس از انجام آن اقدامات «اراده» دیگری برای مبارزه با فساد در بازیگران آن دستگاه‌ها ایجاد می‌شود به این معنا که مثلاً پس از آن که اراده بیرونی و قهرآمیز سازمان بازرسی به دستگاه اجرایی القا شد و به عنوان مثال مجازات‌های متناسب برای ارتکاب فساد وضع شد، اراده‌ای در بازیگران دستگاه اجرایی ایجاد یا تقویت می‌شود که ایشان را از ارتکاب جرم و فساد بازداشته یا به انجام اقداماتی در راستای سلامت اداری وامی‌دارد.

لب کلام این که ایجاد و تقویت اراده مبارزه با فساد در دستگاه‌های اجرایی مستلزم آن است تا سازمان بازرسی کل کشور مطالبات یادشده را در راستای تحقق شاخص‌های «اراده‌مندی» مصرّانه، ملتزمانه و مستمر، پی‌گیری، ارزیابی و بطور شفاف اعلام نماید؛ این فرایند عملاً به ایجاد کارنامه عملکرد بازیگران دستگاه‌های اجرایی در زمینه ایجاد و تقویت اراده مبارزه با فساد در این دستگاه‌ها خواهد انجامید.

منابع و مأخذ

- از اراده سیاسی دولت تا کمک رسانه‌های جمعی در مبارزه با فساد به نشانی:
<https://snn.ir/fa/news>
- چیدمان تاکتیک ضد فساد به نشانی: <https://donya-e-eqtesad.com>
- خندان، سیدعلی‌اصغر، منطق کاربردی، قم، مؤسسه فرهنگی طه، چاپ اول، سال ۱۳۷۹.
- عارف، رضا، رسانه‌های جمعی بازوی کمکی دستگاه‌های نظارتی، گزارش پژوهشی، سال یازدهم، شماره ۱۰۹، سازمان بازرسی کل کشور، خرداد ۱۳۹۷، ص ۲۲-۲۵.
- قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (مصوب ۱۳۸۰).
- قانون مدیریت خدمات کشوری (مصوب ۱۳۸۶).
- Brinkerhoff, D.W. ۲۰۰۰. Assessing political will for anti-corruption efforts: an analytic framework. Public Administration and Development, Vol. ۲۰, No. ۳.
- Derick. W. Brinkerhoff, ۲۰۱۰, Unpacking the Concept of Political Will to Confront Corruption, U^۴ Policy Brief, Bergen: Chr. Michelsen Institute. <http://www.u4.no/publications/unpacking-the-concept-of-political-will-to-confront-corruption/>
- Hammergren, L. ۱۹۹۸. Political will, constituency, building and public support in rule of law programmes
<http://issat.dcaf.ch/content/download/۲۲۰۰/۱۹۰۵۶/file/Hammergren%۲۰Political%۲۰Will.pdf>
- Malena, C. ۲۰۰۹. From political wont to political will: building support for participatory governance

https://styluspub.presswarehouse.com/resrcs/chapters/۱۵۶۵۴۹۳۱۱۷_excerpt.pdf

- Roberto Martinez B. Kukutschka, Building Political Will; Topic Guide, Compiled by Anti Corruption Helpdesk, Transparency International, ۲۰۱۵.
- Understanding 'Political Will',
<https://assets.publishing.service.gov.uk/media/۵۷a۰۸cbfed۹۱۵d۶۲۲c۰۰۱۵۵۱/R۸۲۳۶Appendix۳.pdf>